



عبدالمطهر محمدخانی | سخنگوی شهرداری تهران | رسیدگی به معیشت مردم چه ارتباطی

با شهرداری دارد؟ مسکن، سلامت و نان ازای انرژی مگر متولی مشخص در دولت ندارند؟

چرا شهردار تهران درباره مسائل اقتصادی کشور و شیوه اداره اقتصاد سخن می‌گوید؟ آیا وظیفه شهرداری همان اداره شهر، توسعه حمل‌ونقل عمومی، نظافت، خدمات شهری و اجرای پروژه‌های عمرانی نیست؟

می‌توان پرسش را صریح‌تر مطرح کرد: شهرداری تهران چرا باید در میانه جنگ مسئولیت‌هایی فراتر از مأموریت‌های معمول خود بپذیرد، وارد بازسازی خانه‌های آسیب‌دیده شود یا برای کاهش هزینه زندگی مردم، تنظیم بازار کالاهای اساسی، مسکن و سلامت برنامہ ارائه کند؟ اینها واقعا «وظیفه شهرداری» است؟

این پرسش‌ها در ماه‌های اخیر از سوی برخی منتقدان مطرح شده و نباید از کنارشان گذشت. در قوانین و مقررات مربوط به وظایف شهرداری‌ها، برای بسیاری از این اقدامات نمی‌توان به سادگی عنوانی صریح پیدا کرد. از این منظر، پرسشی منتقد روشن است: آیا مدیریت شهری از حدود مأموریت‌های خود فراتر رفته است؟

برخی می‌گویند شهردار تهران به جای تمرکز بر اداره و توسعه شهر، حمل‌ونقل عمومی، ترافیک، آلودگی هوا، خدمات شهری و پروژه‌های عمرانی، سراغ موضوعاتی رفته که مسئولیت دستگاه‌های دیگر است. از نگاه آنان، سخن گفتن یک شهردار درباره اقتصاد، معیشت، مسکن، سلامت و انرژی چه نسبتی با مأموریت اصلی مدیریت شهری دارد؟

نقد تندتر این است که شاید بخشی از این اقدامات و مواضع بیش از آنکه حاصل ضرورت مدیریتی باشد، نمایشی سیاسی برای حضور

در موضوعات ملی، دیده‌شدن فراتر از مدیریت شهری یا مقدمه‌ای برای اهداف سیاسی آینده باشد.

اینها پرسش‌های بی‌اهمیتی نیستند و پاسخشان نباید به چند جمله دفاعی درباره عملکرد شهرداری محدود شود. برای قضاوت درباره اقداماتی که شهرداری تهران از روزهای جنگ تا امروز آغاز کرده، باید ابتدا به پرسشی بنیادی تر پاسخ داد. شهرداری در روزهای شش‌گانه قحط مسئول «داره شهر» است یا در برابر «زندگی مردم شهر» نیز مسئولیت دارد؟

پاسخ به این پرسش، نقطه آغاز فهم مسیر مدیریت شهری تهران است. امروز مسئله شهرداری از خانواده‌ها معیشت، تورم، مسکن، هزینه‌های روزمره و نگرانی از آینده است. نمی‌توان از توسعه تهران، مترو، فضای سبز و پروژه‌های عمرانی سخن گفت اما از فشاری که خانواده برای مسکن، کالاهای اساسی، رفت‌وآمد، درمان و آموزش تحمل می‌کند غافل ماند.

اگر سخنمان و آقدس‌های اخیر دکتر علیرضا زاکانی را کنار هم بگذاریم، یک خط روشن دیده می‌شود: کشور در شرایط عادی نیست؛ مردم تحت فشارند؛ شیوه‌های معمول برای عبور از این وضعیت کافی نیست و همه دستگاه‌هایی که ظرفیت و امکان اجرایی دارند باید سهم خود را در کاهش مشکلات مردم بپذیرند.

در چنین نگاهی، شهرداری تهران نمی‌تواند پشت مرزهای سنتی مدیریت شهری بایستد و بگوید تورم، معیشت، انرژی، سلامت یا مسکن مسئله دولت است. شهر جایی است که آثار همه این مسائل در آن ظاهر می‌شود و شهروند همان کسی است که هم تورم و اجاره مسکن را می‌پزد و هم هزینه حمل‌ونقل، درمان و پیمادهای ناترازی انرژی را تحمل می‌کند. پس پرسش اصلی این نیست که «آیا شهرداری مسئول اقتصاد کشور است؟» روشن است که نیست. پرسش این است که آیا مدیریت شهری می‌تواند بخشی از ظرفیت خود را برای کاهش فشار از زندگی مردم و کمک به حل مسائل کشور به میدان بیاورد؟ پاسخ شهردار تهران مثبت است.

مردم تحت فشارند؛ این واقعیت را باید دید
نقطه شروع هر سیاست مؤثر، دیدن واقعیت است. بخش قابل توجهی از خانواده‌های ایرانی زیر فشار اقتصادی اند؛ تورم قدرت خرید را کاهش داده، مسکن سهم بزرگی از درآمد را می‌بلعد، قیمت کالاهای اساسی به مسئله‌ای روزمره تبدیل شده و نگرانی از آینده اقتصادی بر آرامش خانواده‌ها سایه انداخته است.
در تهران این فشار گاه شدیدتر است. وقتی بیش از نیمی از خانوارهای پایتخت اجاره‌نشین‌اند، مسکن فقط مسئله شهرسازی نیست؛ مسئله‌ای اجتماعی و اقتصادی است. وقتی قیمت مواد غذایی بالا می‌رود، میدان میوه و تره‌بار می‌تواند ابزاری برای دفاع از قدرت خرید باشد و وقتی هزینه رفت‌وآمد افزایش می‌یابد، حمل‌ونقل عمومی بخشی از سبد هزینه خانوار است.
این تغییر زاویه نگاه مهم است. مدیریت شهری اگر زندگی واقعی شهروند را مبنای قرار دهد، مأموریت خود را فقط در مسائل، نظافت، پسماند، پارک و بزرگراه خلاصه نمی‌کند. همه اینها مهم‌اند، اما شهر مجموعه خیابان‌



همکاری شهرداری با آموزش و پرورش

مهدی امیری، مدیرکل آموزش شهروندی شهرداری: اعتبار ۵۰۰میلیارد تومانی برای بهسازی مدارس اختصاص پیدا کرده است. بااین اعتبار و براساس دستورالعملی که اداره‌کل آموزش‌های شهروندی تنظیم می‌کند و در اختیار مناطق قرار می‌دهد فعالیت‌های عمرانی، تجهیز و بهسازی در مدارس در کنار سایر فعالیت‌ها انجام می‌شود.

روایتی از یک انتخاب آگاهانه در روزهای سخت وظیفه ما نیست!



شهردار تهران در توضیح شرایط امروز، بر نقد دوگانه‌ای تأکید دارد که سال‌ها بخشی از فضای مدیریتی و سیاسی ما را گرفتار کرده است.

در یک سوی این دوگانه، نگاهی است که راه برون‌رفت از مشکلات را بیش از اندازه به بیرون گره می‌زند؛ گویی باید منتظر مذاکره، تغییر مناسبات خارجی یا رفع فشارها ماند و سپس مسائل داخلی را حل کرد. تعامل و مذاکره ابزار تأمین منافع ملی‌اند، اما خطا از جایی آغاز می‌شود که حل مسائل مردم به تحولات بیرونی مشروط و اراده داخلی برای اصلاح و حل مسئله مطلق شود.

در سوی دیگر، نباید مقاومت را فقط ایستادگی به برابر تهدید نظامی یا تحمل فشار خارجی دانست. مقاومت اگر قرار است از کشور و جامعه دفاع کند، باید از زندگی مردم نیز دفاع کند. جامعه‌ای که قدرت خریدش آسیب ببیند، سفره‌اش کوچک شود، هزینه مسکن و درمان بر آن سنگینی کند و امیدش کاهش یابد، دقیقاً

آسیب ببیند، سفره‌اش کوچک شود، هزینه مسکن و درمان بر آن سنگینی کند

امیدش کاهش یابد، دقیقاً آسب ببیند، سفره‌اش کوچک شود، هزینه مسکن و درمان بر آن سنگینی کند و امیدش کاهش یابد، دقیقاً آسب ببیند، سفره‌اش کوچک شود، هزینه مسکن و درمان بر آن سنگینی کند و امیدش کاهش یابد، دقیقاً آسب ببیند، سفره‌اش کوچک شود، هزینه مسکن و درمان بر آن سنگینی کند و امیدش کاهش یابد، دقیقاً آسب ببیند، سفره‌اش کوچک شود، هزینه مسکن و درمان بر آن سنگینی کند

اسکات بسنت، آشکارا از تشدید فشار اقتصادی و محدود کردن منابع درآمدی ایران سخن می‌گوید، اقتصاد و معیشت مردم نیز یکی از میدان‌های این مواجهه است.
داد کارزاری مستتر برای رساندن صادرات نفت ایران به مقر دیسالت کند.
«منبع: کاخ سفید، National Security Presidential Memorandum/NSPM-2، ۴ فوریه ۲۰۲۵»
اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، نیز در ۱۲اوت ۲۰۲۴ (۲۲ شهریور ۱۴۰۵)، هنگام اعلام «عملیات طلرد اقتصادی» گفت: «ما یک تهاجم اقتصادی علیه ارتباطات مالی ایران در سراسر جهان آغاز می‌کنیم» و هدف آن را «قطع هر جریان اقتصادی» توصیف کرد. این عملیات، بنا بر اعلام رسمی وزارت خزانه‌داری آمریکا، به دستور ترامپ آغاز شده است.
«منبع: وزارت خزانه‌داری ایالات متحده، Remarks from Secretary Scott Bessent on Operation Economic Outcast

این بیوند میان دشواری‌های زندگی مردم و ایجاد نارضایتی، در سخنان بنیامین نتانیاهو صریح‌تر نیز دیده می‌شود. او در ۱۲اوت ۲۰۲۵ (۲۱ مرداد ۱۴۰۴)، در پیامی خطاب به مردم ایران، پس از سخن گفتن از مشکلات آب، برق، پول و تورم و توصیف وضعیت با عبارت «همه‌چیز در حال فروپاشی است»، مستقیماً گفت: «به خیابان‌ها بیاپیید. عدالت بخواهید. پاسخگوی مطالبه کنید. علیه استبداد اعتراض کنید.» فارغ از ادعاهای مطرح‌شده در آن پیام، کنار هم قرار دادن مشکلات روزمره زندگی مردم با دعوت مستقیم آنان به اعتراض، نشان می‌دهد که چگونه فشار بر زندگی مردم و نارضایتی اجتماعی در محاسبات سیاسی طرف مقابل به یکدیگر پیوند می‌خورند.
«منبع: دفتر نخست‌وزیر اسرائیل، Message from Prime Minister Netanyahu to the People of Iran، ۱۲اوت ۲۰۲۵»

بنابراین مقاومت در معنای عملی امروز فقط به شاید بتوان این معنا را در یک جمله خلاصه کرد: اگر معیشت مردم یکی از میدان‌های حمله دشمن است، پناه مردم بودن و شانه زیر بار مسئولیت دادن نیز عین مقاومت است. راه درست، نه انتظار برای گشایش از بیرون است و نه دعوت مردم به تحمل مشکلات بدون ارائه راه‌حل. راه درست یعنی ایستادگی و کار کردن؛

مقاومت و ساختن؛ پایداری و حل مسئله، هم‌زمان.

ایران کشور فقیری نیست

در نگاه شهردار تهران، خطای تحلیلی خطرناک این است که تصور کنیم کشور فاقد ظرفیت است. ایران از منابع طبیعی، نیروی انسانی، زیرساخت، ظرفیت بخش خصوصی، دارایی‌های عمومی و سرمایه انسانی و اجتماعی بزرگی برخوردار است و در کنار دولت نیز ظرفیت‌های عمومی، محلی و مردمی فراوانی وجود دارد که هنوز به‌طور کامل وارد میدان حل مسائل نشده‌اند.

از این منظر، میان «مقاومت» و «حل مشکلات مردم» دو گانه‌ای وجود ندارد. حل مشکلات مردم، صورت اجتماعی مقاومت است؛ همان‌گونه که کشور برای حفاظت از امنیت خود به قدرت دفاعی نیاز دارد، برای ایستادگی در نبرد اقتصادی نیز به مردمی نیاز دارد که احساس نکنند تنها و بی‌پناه مانده‌اند. این نگاه در بیانات رهبر شهید انقلاب نیز به‌صراحت دیده می‌شود. امام شهید حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای در ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۶، در مراسم دانش آموختگی دانشگاه امام حسین(ع)، «اقتصاد و معیشت مردم» را هدف میان مدت دشمن دانستند و گفتند: «هدف میان مدت آن‌ها زیرساخت‌های کشور است، مسئله معیشت مردم است»، با این هدف که مردم «به‌خاطر مشکلات معیشتی ناامید و ناامنی‌طلب شوند»؛ ایشان راه مقابله با این هدف را رونق تولید، اشتغال و عمل به سیاست‌های اقتصاد مقاومتی دانستند.
«منبع: بیانات در مراسم دانش آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین(ع)، ۲۰ اردیبهشت ۱۳۹۶، منتشرشده در سوی پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار قائد شهید حضرت آیت‌الله خامنه‌ای.»

همین پیوند میان معیشت مردم و مقاومت در برابر فشار اقتصادی، در پیام نوروزی حضرت آیت‌الله سیدمجتبی حسینی خامنه‌ای به مناسبت آغاز سال ۱۴۰۵ نیز تصریح شده است. ایشان پس از آنکه «بهره‌گیری از ضعف‌های اقتصادی و مدیریتی» را یکی از روزنه‌های امید دشمن خواندند، تأکید کردند که «تأمین معیشت مردم و ارتقای زیرساخت‌های زیستی و رفاهی» باید «توئی دفاع و بلکه پیشروی چشمگیر در مقابل جنگ اقتصادی» تلقی شود. «منبع: پیام رهبر معظم انقلاب به مناسبت آغاز سال ۱۴۰۵ شمسی، ۲۹ اسفند ۱۴۰۴»
رسانه رهبر انقلاب (اسلامی) اینجاست که «پناه مردم» در معنای راهبردی پیدای می‌کند؛ در مقابل نقطه‌ای که فشار خارجی می‌کوشد جامعه را آسیب‌پذیر کند، ظرفیت‌های کشور برای حمایت از مردم به میدان بیاید؛ از سفره و قدرت خرید تا مسکن، سلامت،

انرژی و هزینه‌های روزمره زندگی. این انتخاب میان «مقاومت» و «حل مشکلات مردم» در کار نیست. حل مشکلات مردم، خود مقاومت است؛ یعنی هم از استقلال و امنیت فقط دفاع کنیم و هم بگذاریم فشار اقتصادی، زندگی و امید مردم را هدف قرار دهد؛ هم توان دفاعی کشور را حفظ کنیم و هم توان ایستادگی و جامعه را.

و شاید بتوان این معنا را در یک جمله خلاصه کرد: اگر معیشت مردم یکی از میدان‌های حمله دشمن است، پناه مردم بودن و شانه زیر بار مسئولیت دادن نیز عین مقاومت است. راه درست، نه انتظار برای گشایش از بیرون است و نه دعوت مردم به تحمل مشکلات بدون ارائه راه‌حل. راه درست یعنی ایستادگی و کار کردن؛

مقاومت و ساختن؛ پایداری و حل مسئله، هم‌زمان.

در نگاه شهردار تهران، خطای تحلیلی خطرناک این است که تصور کنیم کشور فاقد ظرفیت است. ایران از منابع طبیعی، نیروی انسانی، زیرساخت، ظرفیت بخش خصوصی، دارایی‌های عمومی و سرمایه انسانی و اجتماعی بزرگی برخوردار است و در کنار دولت نیز ظرفیت‌های عمومی، محلی و مردمی فراوانی وجود دارد که هنوز به‌طور کامل وارد میدان حل مسائل نشده‌اند.

مسئله اصلی در بسیاری از موارد «نداشتن» نیست؛ «به کار نگرفتن» است. دولت دارایی دارد، مدیریت محلی ظرفیت اجرایی، بخش خصوصی توان سرمایه‌گذاری و مردم منابع، دانش و انگیزه. اگر این ظرفیت‌ها درست کنار هم قرار گیرند، بخشی از محدودیت‌هایی که امروز قطعی به نظر می‌رسند قابل مدیریت خواهند بود.

از همین جا مردمی‌سازی اقتصاد معنا پیدا می‌کند. اقتصاد را نمی‌توان فقط از اتاق‌های اداری اداره کرد. مردمی‌سازی هم‌ و واگذاری صوری چند پروژه نیست؛ یعنی باز کردن میدان واقعی برای مشارکت مردم، سرمایه‌های خرد و کلان، بخش خصوصی و نهادهای محلی در تولید، سرمایه‌گذاری و حل مسائل کشور.

انگیزه، اگر این ظرفیت‌ها درست کنار هم قرار گیرد، بخشی از محدودیت‌هایی که امروز قطعی به نظر می‌رسند قابل مدیریت خواهند بود. از همین جا مردمی‌سازی اقتصاد معنا پیدا می‌کند. اقتصاد را نمی‌توان فقط از اتاق‌های اداری اداره کرد. مردمی‌سازی هم‌ و واگذاری صوری چند پروژه نیست؛ یعنی باز کردن میدان واقعی برای مشارکت مردم، سرمایه‌های خرد و کلان، بخش خصوصی و نهادهای محلی در تولید، سرمایه‌گذاری و حل مسائل کشور.

مسئله دولت، مسئله همه ماست
از این تحلیل یک نتیجه سیاسی و مدیریتی روشن حاصل می‌شود: در شرایط دشوار، رقابت سیاسی نباید مانع همکاری برای حل مشکلات مردم شود. اختلاف نظر طبیعی است، اما تورم متعلق به یک جریان نیست؛ ناترازی انرژی جراح نمی‌شناسد؛ مشکل مسکن از مردم نمی‌برد؛ به چه کسی رأی داده‌اند و فشار معیشتی میان حامی و منتقد دولت تفاوتی نمی‌گذارد. حل این مسائل هم نباید قربانی رقابت سیاسی شود. از همین منظر، شهردار تهران بارها بر ضرورت کمک به دولت و رئیس‌جمهور تأکید کرده است؛ موفقیت دولت در حل مسائل مردم، موفقیت کشور است و شکست در آن هزینه‌ای است که مردم می‌پردازند.

شهرداری تهران خود را رقیب دولت نمی‌بیند. هر جا ظرفیت مدیریت شهری بتواند باری از دوش دولت و مهم‌تر از آن، مردم بردارد، باید به میدان بیاید. این انتخاب سیاسی نیست؛ مسئولیت ملی است.

این همکاری یک‌طرفه هم نیست. رئیس‌جمهور محترم نیز تأکید کرده است که هر کس ایده، توان یا ظرفیتی برای حل مشکلات مردم دارد باید به میدان بیاید و از ظرفیت او استفاده شود.

پس همکاری شهرداری و دولت، همکاری دو جریان سیاسی نیست؛ نوعی تقسیم کار ملی برای حل مسائل مردم است. یک سو ظرفیت اجرایی تهران را به میدان می‌آورد و سوی دیگر از همه ظرفیت‌های موجود استفاده می‌کند؛ مهم نیست راه‌حل از کجا آمده، مهم این است که گرهی از زندگی مردم باز کند.

شهر می‌تواند بخشی از راه‌حل باشد

نگاه سنتی، شهرداری را سازمانی خدماتی محدود به خیابان، پسماند، پارک، ساخت‌وساز و حمل‌ونقل می‌داند؛ اما مدیریت شهری مدرن مدت‌هاست از این تعریف عبور کرده است. شهرها امروز در سلامت، محیط زیست، انرژی، اقتصاد محلی، مسکن، رفاه اجتماعی، آموزش،

زیرساخت عمومی شهر برای افزایش رقابت، کاهش هزینه‌های واسطه‌گری و کمک به حفظ قدرت خرید مردم است. در شرایط دشوار اقتصادی، حفظ سفره مردم فقط مسئله اقتصاد نیست؛ مسئله کرامت اجتماعی و یکی از مصادیق پناه اجتماعی است.

حمل‌ونقل؛ فقط ترافیک نیست

حمل‌ونقل عمومی را معمولاً از زاویه ترافیک و آلودگی هوا می‌بینیم، اما یک بعد سوم نیز دارد: هزینه زندگی. برای خانواده‌ای که اعضایش هر روز در شهر رفت‌وآمد می‌کنند، هزینه حمل‌ونقل بخشی از مخارج ماهانه است. پس ارزان‌تر و در دسترس‌تر شدن مترو و اتوبوس، علاوه بر اثر ترافیکی، در زیست‌محیطی، یک سیاست معیشتی است. تجربه رایگان کردن حمل‌ونقل عمومی در ده انفعال منجر شود. ایران ظرفیت‌های بزرگی دارد که هنوز همه وارد میدان نشده‌اند و دولت، شهرداری، بخش خصوصی یا نهادهای مردمی هیچ کدام به تنهایی قادر به حل همه مسائل نیستند.

راه پیش رو همکاری است: همکاری دولت و مدیریت محلی، بخش عمومی و خصوصی، دستگاه‌های ملی و شهری و بیش از همه، باز کردن میدان برای حضور مردم. این همکاری باید بر همین نگاه استوار باشد: نه انتظار برای اینکه تحولات بیرونی مسائل داخلی، در حل‌کنند، بلکه مقاومتی فعال به معنای اصلی، ابتکار، کارآمدی و حل مسائل مردم.

انتخاب شهردار تهران این است که شهرداری نه رقیب دولت و نه تماشاگر مشکلات کشور باشد، بلکه بخشی از ظرفیت اجرایی کشور باشد که می‌تواند کنار دولت و در خدمت مردم قرار گیرد. ممکن است درباره شیوه‌ها اختلاف نظر باشد، در برخی طرح‌ها نیازمند اصلاح باشند و در اجرا خطا رخ دهد. نقد مدیریت شهری هم طبیعی و ضروری است؛ اما مسئله اصلی، پیش از همه اینها نوع مواجهه ما با مفهوم «وظیفه» است.

سال‌هاست یکی از ساده‌ترین پاسخ‌های نظام اداری ما در برابر مسائل پیچیده مردم، همین جمله آشناست: «وظیفه ما نیست». جملهای که چه‌بسا از منظر تقسیم‌کار اداری و شرح وظایف سازمانی درست هم باشد؛ اما مشکل مردم را حل نمی‌کند. شهروندی که زیر فشار اداره خانه است، خانواده‌ای که هزینه تأمین کالاهای اساسی برایش دشوار شده، بیماری که به خدمات سلامت نیاز دارد یا در مدی که در میانه یک بحران به پشتوانه احتیاج دارند، مسئله‌شان را بر اساس مرز میان سازمان‌ها و دستگاه‌ها تعریف نمی‌کنند.

مردم حل مسئله دارند و انتظار دارند مجموعه حاکمیت برای حل آن مسئله کنار یکدیگر قرار گیرد. شاید بتوان تمام آنچه در این یادداشت شرح شد را در تغییر یک پرسش خلاصه کرد. به جای اینکه هر دستگاه در مواجهه با مشکلات مردم ابتدا بپرسد «یا این وظیفه من است؟»، یک بار هم از خود بپرسد: «آیا من می‌توانم برای حل این مشکل کاری انجام دهم؟»

این تغییر پرسش، به معنای مردم زدن تقسیم کار قانونی، مداخله در مسئولیت دیگران یا فراموش کردن وظایف اصلی نیست. شهرداری تهران همچنین باید در شهرها و تخصص خود، امکان ورزش، تغذیه، بهداشت محیط، دسترسی به خدمات اولیه و شرایط اجتماعی محله همگی بر سلامت مردم اثر دارند.

همکاری شهرداری تهران با وزارت بهداشت، دانشگاه‌های علوم پزشکی و مجموعه‌های مرتبط می‌تواند مدل‌های سازد که در آن «محله» واحد پایه سلامت باشد. آغاز این تجربه در تعدادی از محلات تهران فرستی است برای مدلی که از پایش شاخص‌ها تا پیشگیری، خدمات اولیه، نظام ارجاع و پیوند بهتر شهروند با شبکه سلامت امتداد پیدا کند.

یک تقسیم‌کار جدید برای حل مسائل قدیمی

این اقدامات در ظاهر متفاوت‌اند: میدان میوه و تره‌بار چه ارتباطی با موتورسیکلت برقی دارد؟ مسکن چه نسبتی با سلامت محله دارد؟ حمل‌ونقل رایگان چگونه کنار باسازی سراسرات جنگ قرار می‌گیرد؟

پاسخ در منطق مشترک آنهاست: هر دستگاه باید ببیند یا امکاناتی که در اختیار دارد، کدام مسئله واقعی مردم را می‌تواند حل کند. قرار نیست شهرداری جای دولت بنشیند یا مرز مسئولیت‌ها از میان برود؛ قرار است ظرفیت‌ها کنار هم قرار گیرند. اگر وزارتخانه ابزار لازم را نداشته، شهرداری می‌تواند در دولت شرکت کند؛ اگر دولت منابع و مدیریت شهری امکان اجرا دارد، چرا ترکیب شوند؟ اگر بخش خصوصی سرمایه و تخصص دارد، چرا میدان مشارکت نداشته باشد؟ و اگر مردم بزرگ‌ترین سرمایه کشورند، چرا نقش‌شان به دریافت‌کننده خدمات محدود بماند؟

از «به ما چه» تا «چه کمکی از دست ما برمی‌آید»؟

شاید مهم‌ترین تغییر مورد نظر شهردار تهران همین باشد: در نظام اداری ما، گاهی نخستین واکنش یک دستگاه‌ا آن است که ثابت کند مسئله در شرح وظایفش نیست. نتیجه آن است که مسئله مردم میان مرز سازمان‌ها می‌ماند؛ هر دستگاه مسئولیت خود را محدود تعریف می‌کند، اما مسئله حل نشده باقی می‌ماند.



ارسال ۸۰۰ اثر به دبیرخانه مسابقه عکاسی روایت جنگ رمضان

مهدی قمی، شهردار منطقه ۱: بیش از ۸۰۰ اثر از سوی عکاسان به دبیرخانه مسابقه عکاسی روایت جنگ رمضان ارسال شد که پس از بررسی و داوری، آثاری از ۱۷ عکاس برای حضور در بخش نمایشگاهی انتخاب شد. در این آثار روایت‌های متنوعی از روزهای جنگ به تصویر کشیده شده است.

معیار نهایی: زندگی مردم

در نهایت، همه سیاست‌ها باید با یک معیار سنجیده شوند: چه تغییری در زندگی مردم ایجاد کرده‌اند؟ اگر همکاری دولت و شهرداری مصرف انرژی را کم کند، حمل‌ونقل عمومی سفرهای بیشتری را از خودروی شخصی به مترو و اتوبوس منتقل کند، شبکه توزیع شهری کالا را ارزان‌تر به خانواده برساند، باز آفرینی شهری فشار مسکن را کاهش دهد یا همکاری در سلامت بیماری را زودتر تشخیص دهد و هزینه درمان را کم کند، ارزشمند است.

اگر این اتفاقات نیفتد، تعدد جلسات، تفاهم‌نامه‌ها، قرارگاه‌ها و طرح‌ها معیار موفقیت نیست. این همان نقطه‌ای است که شهرداری تهران باید خود را در معرض آدوی مردم قرار دهد.

شرایط کشور دشوار است، اما دشواری نباید به انفعال منجر شود. ایران ظرفیت‌های بزرگی دارد که هنوز همه وارد میدان نشده‌اند و دولت، شهرداری، بخش خصوصی یا نهادهای مردمی هیچ کدام به تنهایی قادر به حل همه مسائل نیستند.

راه پیش رو همکاری است: همکاری دولت و مدیریت محلی، بخش عمومی و خصوصی، دستگاه‌های ملی و شهری و بیش از همه، باز کردن میدان برای حضور مردم. این همکاری باید بر همین نگاه استوار باشد: نه انتظار برای اینکه تحولات بیرونی مسائل داخلی، در حل‌کنند، بلکه مقاومتی فعال به معنای اصلی، ابتکار، کارآمدی و حل مسائل مردم.

انتخاب شهردار تهران این است که شهرداری نه رقیب دولت و نه تماشاگر مشکلات کشور باشد، بلکه بخشی از ظرفیت اجرایی کشور باشد که می‌تواند کنار دولت و در خدمت مردم قرار گیرد. ممکن است درباره شیوه‌ها اختلاف نظر باشد، در برخی طرح‌ها نیازمند اصلاح باشند و در اجرا خطا رخ دهد. نقد مدیریت شهری هم طبیعی و ضروری است؛ اما مسئله اصلی، پیش از همه اینها نوع مواجهه ما با مفهوم «وظیفه» است.

سال‌هاست یکی از ساده‌ترین پاسخ‌های نظام اداری ما در برابر مسائل پیچیده مردم، همین جمله آشناست: «وظیفه ما نیست». جملهای که چه‌بسا از منظر تقسیم‌کار اداری و شرح وظایف سازمانی درست هم باشد؛ اما مشکل مردم را حل نمی‌کند. شهروندی که زیر فشار اداره خانه است، خانواده‌ای که هزینه تأمین کالاهای اساسی برایش دشوار شده، بیماری که به خدمات سلامت نیاز دارد یا در مدی که در میانه یک بحران به پشتوانه احتیاج دارند، مسئله‌شان را بر اساس مرز میان سازمان‌ها و دستگاه‌ها تعریف نمی‌کنند.

مردم حل مسئله دارند و انتظار دارند مجموعه حاکمیت برای حل آن مسئله کنار یکدیگر قرار گیرد. شاید بتوان تمام آنچه در این یادداشت شرح شد را در تغییر یک پرسش خلاصه کرد. به جای اینکه هر دستگاه در مواجهه با مشکلات مردم ابتدا بپرسد «یا این وظیفه من است؟»، یک بار هم از خود بپرسد: «آیا من می‌توانم برای حل این مشکل کاری انجام دهم؟»

این تغییر پرسش، به معنای مردم زدن تقسیم کار قانونی، مداخله در مسئولیت دیگران یا فراموش کردن وظایف اصلی نیست. شهرداری تهران همچنین باید در شهرها و تخصص خود، امکان ورزش، تغذیه، بهداشت محیط، دسترسی به خدمات اولیه و شرایط اجتماعی محله همگی بر سلامت مردم اثر دارند.

همکاری شهرداری تهران با وزارت بهداشت، دانشگاه‌های علوم پزشکی و مجموعه‌های مرتبط می‌تواند مدل‌های سازد که در آن «محله» واحد پایه سلامت باشد. آغاز این تجربه در تعدادی از محلات تهران فرستی است برای مدلی که از پایش شاخص‌ها تا پیشگیری، خدمات اولیه، نظام ارجاع و پیوند بهتر شهروند با شبکه سلامت امتداد پیدا کند.

یک تقسیم‌کار جدید برای حل مسائل قدیمی

این اقدامات در ظاهر متفاوت‌اند: میدان میوه و تره‌بار چه ارتباطی با موتورسیکلت برقی دارد؟ مسکن چه نسبتی با سلامت محله دارد؟ حمل‌ونقل رایگان چگونه کنار باسازی سراسرات جنگ قرار می‌گیرد؟

پاسخ در منطق مشترک آنهاست: هر دستگاه باید ببیند یا امکاناتی که در اختیار دارد، کدام مسئله واقعی مردم را می‌تواند حل کند. قرار نیست شهرداری جای دولت بنشیند یا مرز مسئولیت‌ها از میان برود؛ قرار است ظرفیت‌ها کنار هم قرار گیرند. اگر وزارتخانه ابزار لازم را نداشته، شهرداری می‌تواند در دولت شرکت کند؛ اگر دولت منابع و مدیریت شهری امکان اجرا دارد، چرا ترکیب شوند؟ اگر بخش خصوصی سرمایه و تخصص دارد، چرا میدان مشارکت نداشته باشد؟ و اگر مردم بزرگ‌ترین سرمایه کشورند، چرا نقش‌شان به دریافت‌کننده خدمات محدود بماند؟

شاید مهم‌ترین تغییر مورد نظر شهردار تهران همین باشد: در نظام اداری ما، گاهی نخستین واکنش یک دستگاه‌ا آن است که ثابت کند مسئله در شرح وظایفش نیست. نتیجه آن است که مسئله مردم میان مرز سازمان‌ها می‌ماند؛ هر دستگاه مسئولیت خود را محدود تعریف می‌کند، اما مسئله حل نشده باقی می‌ماند.